




The University of Tehran Press

Revocation, Suspension and Termination of Unilateral Acts of States in International Law

Ahmad Reza Tohidi¹  | Reyhaneh Zandi² 

1. Corresponding Author; Associate Prof, International Law, Faculty of law, Qom University, Qom, Iran. Email: ar.tohidi@qom.ac.ir
2. PhD student in International Law, International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran. Email: r.z.judge94@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	<p>While the legal validity of unilateral acts of states has been subject to various challenges, in the actual practice of states such acts have long existed as regards their daily ordinary relations, so much so that the development of customary international relations regarding them can be examined. Unilateral acts matter both as a common way by which states operate in international relations, and as a recognized source of law in scholarship and jurisprudence. This paper, in a descriptive-analytical way and using library resources, examines the situations in which the practice of the state leads to the termination or revocation of unilateral act. Thus, the question is under what preconditions are states able to end or withdraw their unilateral action? Based on the comparison between the legal effects of unilateral acts with those of treaty obligations, it could be argued that the right to revoke such acts may be subject to the consent of beneficiary third parties. Nonetheless, the International Law Commission's approach of merely imitating the rules of treaty law on this subject seems problematic.</p>
Pages: 1025-1050	
Received: 2022/02/22	
Received in revised form: 2022/04/30	
Accepted: 2022/02/17	
Published online: 2023/06/22	
Keywords: <i>unilateral acts, withdrawal, suspension, state, International Law Commission.</i>	
How To Cite	Tohidi, Ahmad Reza; Zandi, Reyhaneh (2023). Revocation, Suspension and Termination of Unilateral Acts of States in International Law. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (2), 1025-1050. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339259.3036
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.339259.3036
Publisher	The University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۳۴۲۳

دوره: ۵۳، شماره: ۲

تابستان ۱۴۰۲

Homepage: <http://jplsqt.ut.ac.ir>

لغو، تعلیق و خاتمه اقدامات یکجانبه دولت در پرتو حقوق بین الملل

احمد رضا توحیدی^۱ | ریحانه زندی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: ar.tohidi@gom.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: r.z.judge94@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۰۵-۱۰۲۵</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: اعمال یکجانبه، بازپس‌گیری، تعلیق، دولت، کمیسیون حقوق بین الملل.</p>	<p>درحالی که دکتین مدت‌هاست در مورد اعتباردهی حقوقی به «اقدامات یکجانبه دولت‌ها» در محاق چالش‌های گوناگون است، در رویه عینی این قبیل اقدامات در روابط روزمره وجود داشته و توسعه روابط عرفی بین المللی ناظر بر آنها قابل بررسی است؛ به نحوی که اقدامات یکجانبه به عنوان وسیله مشترکی که دولت‌ها با آنها در حوزه روابط بین الملل فعالیت دارند و هم به عنوان منابعی که در دکتین و رویه قضایی به رسمیت شناخته شده، گسترش یافته و از اهمیت برخوردارند. بنابراین تحقیق حاضر، با روش تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و رویه قضایی بین المللی به بررسی مواردی می‌پردازد که عملکرد دولت به بازپس‌گیری یا لغو عمل یکجانبه منجر شود و این پرسش مطرح است که دولت‌ها با کدامین پیش‌شرط‌ها قادر به اختتام یا بازپس‌گیری عمل یکجانبه خود هستند؟ با توجه به اینکه قدر متیقن عمل یکجانبه مورد پذیرش اعضای جامعه بین المللی است، با قیاس بین آثار اعمال یکجانبه و برخی از تعهدات معاهداتی دولت‌ها، می‌توان مجوز لغو و انصراف از چنین اعمالی را در گرو رضایت دول ثالث ذی‌ربط دانست، اما صرف الگوپردازی از قواعد حقوق معاهدات در خصوص موضوع از سوی کمیسیون حقوق بین الملل به نوبه خود مشکلات فراوانی را در پی خواهد آورد.</p>
<p>استناد</p> <p>توحیدی، احمد رضا؛ زندی، ریحانه (۱۴۰۲). لغو، تعلیق و خاتمه اقدامات یکجانبه دولت در پرتو حقوق بین الملل. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۳ (۲)، ۱۰۵-۱۰۲۵.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339259.3036</p>	
<p>DOI</p> <p>10.22059/JPLSQ.2022.339259.3036</p>	
<p>ناشر</p> <p>مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	



۱. مقدمه

در میان منابع مختلف کم و بیش غیررسمی و ضمنی حقوق بین‌الملل اقدامات یکجانبه دولت جایگاهی برای خود یافته است. علمای حقوق بین‌الملل در ابتدا، علاقه چندانی به شناسایی این قبیل اعمال نداشتند، اما آثار انکارناپذیر این اقدامات اصرار بر چندجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل را با ابهام مواجه ساخت. اگر ادعا کنیم که نخستین بار با حکم ICJ در سال ۱۹۷۴ در خصوص آزمایش‌های هسته‌ای بود که اقدام یکجانبه دولت به سیستم حقوق بین‌الملل وارد شد، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم. در جهان امروز، بسیاری از تصمیمات و افعال دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، به‌واسطه اقدامات یکجانبه آنها شکل می‌پذیرد و دولت‌ها خود را به‌وسیله اعمال یکجانبه متعهد می‌کنند و نسبت به اعمال یکجانبه دولت‌های دیگر ذی‌حق می‌شمارند. اقدامات یکجانبه دولت‌ها در مورد یک وضعیت حقوقی ممکن است تعهدات قانونی را برای دولت صادرکننده و با قصد مقید کردن این دولت در پی داشته باشند. برخلاف حقوق معاهدات که از دهه ۱۹۶۰ میلادی به عرصه تدوین قواعد یا نهاد است، حقوق اعمال یکجانبه عمیقاً از کمبود مقررات رنج می‌برد و همواره توجه نسبتاً کمی را از سوی نویسندگان حقوقی به‌سوی خود جلب کرده است. در سال ۱۹۹۶ این دسته از اقدامات مورد توجه کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفت و جایگاه خود را به‌درستی در میان موضوعات مناسب برای مطالعه و تدوین این نهاد بین‌المللی یافت؛ روندی که به تنظیم اصول راهنمای ده‌گانه‌ای در خصوص این اقدامات در سال ۲۰۰۶ انجامید.

اصول راهنمای کمیسیون حقوق بین‌الملل را هرچند می‌توان گامی ارزشمند در این عرصه توصیف کرد، اما جامعیت هرگز از ویژگی‌های آنها نبوده است. مسئله لغو، تعلیق یا فسخ اعمال یکجانبه دولت‌ها، از جمله اموری است که به‌جرات می‌توان گفت کمترین توجه را در حقوق بین‌الملل دریافت کرده، حال آنکه از بیشترین تأثیر برخوردار است. از این‌رو این نوشتار به بررسی و تحلیل شرایط و احکام حقوقی لغو، تعلیق و یا فسخ اعمال یکجانبه حقوقی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی می‌پردازد. در شرایطی که اقدامات سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد از سوی تعداد بی‌شماری از دولت‌ها مورد تبعیت قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است، در نهایت، ماهیت یکجانبه این قبیل اعمال از سوی بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی حائز اعتبار به‌شمار آمده است. با وجود این، تحقیق حاضر در پی پرداختن به این قسم اعمال نبوده و بر اقدامات یکجانبه دولت‌ها متمرکز است. فرض اولیه ما بر این است که موضوع لغو و بازپس‌گیری اعمال یکجانبه اغلب مشمول قواعد حقوق بین‌الملل معاهدات قرار گرفته و چندان توجهی به تفاوت ماهیت این اعمال با تعهدات معاهداتی دولت‌ها صورت نپذیرفته است. از آنجایی که در آثار و نوشته‌های حقوقی موضوع اعمال یکجانبه و به‌طور خاص فسخ این اعمال کمتر مورد توجه قرار گرفته و

یا با شتاب از آنها عبور شده است، پیش از هر چیز باید به ماهیت عمل، تأثیرات حقوقی آن و همچنین نگرش اشخاص ثالث توجه شود. با اینکه تمرکز اصلی بحث بر اصول راهنمای صادره از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار داشته است، در مواردی نمونه‌های خاص گواه بر موضوع از رویه قضایی بین‌المللی و عملکردهای دولت‌ها به یاری طلبیده شده است.

۲. ارزیابی مفهوم و ماهیت حقوقی اعمال یکجانبه دولت‌ها

همان‌طور که گفته شد، شاید اولین گام، بذل توجه به تمایز اعمال یکجانبه تابعان مختلف حقوق بین‌الملل از یکدیگر است؛ بنابراین باید اعمال یکجانبه سازمان‌های بین‌المللی، که از صلاحیت اعطایی دولت‌ها به این سازمان‌ها نشأت می‌گیرند، از اعمال یکجانبه دولت‌ها تمییز داده شود (هاشمی، ۱۳۸۱: ۵). با د اینک پژوهش حاضر، تنها به بررسی اعمال حقوقی یکجانبه دولت از بعد لغو و تعلیق این اعمال می‌پردازد، ارائه تعریف و برداشتی صحیح از این دسته از اقدامات، ضروری می‌نماید.

۱.۲ مفهوم اعمال یکجانبه

«معاهدات بین‌المللی، شکل غالب ایجاد تعهدات حقوقی‌اند، لیکن قالب انحصاری نیستند و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی برای فرار از تشریفات طولانی و پیچیده مربوط به انعقاد معاهدات و سایر محدودیت‌های ناشی از آنها، از اعمال یکجانبه نیز استقبال می‌کنند» (شایگان و عبدالهی رودمعجنی، ۱۴۰۰: ۶۹۶). هنگام برخورد با اصطلاح اقدامات یکجانبه دولت، دو مشکل عمده در بررسی معنایی خودنمایی می‌کند؛ نخست اینکه، بسیاری^۱ معتقدند که اصطلاح انگلیسی *Unilateral acts* به لحاظ زبانی و معناشناختی از کفایت لازم برای بیان معنای واقعی این قبیل اعمال در عرصه بین‌المللی برخوردار نیست و در عوض عبارات آلمانی^۲، فرانسوی^۳، ایتالیایی^۴ و اسپانیایی^۵ را مرجح می‌دانند. مسئله حائز اهمیت در این خصوص این است که برخی از اقدامات یکجانبه می‌توانند عناصری از عملکرد دولت باشند که به شکل‌گیری قاعده عرفی حقوق بین‌الملل کمک می‌کنند و یا به طریقی دیگر بر حقوق و تعهدات

1. For example: Przemyslaw Saganek (2015), Ibrahim Sief Abdel Hameed Menshawy(2019), Kolasa(2018).

2. Einseitige Aktionen

3. Actions unilatérales

4. Azioni unilaterali

5. Acciones unilaterales

یک کشور در روابط بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. با در نظر داشتن این واقعیت که عرف تجلی واقعیتی عینی بوده که در رویه‌ها و عملکردها ریشه دوانده است (زر نشان، ۱۳۹۳: ۱۱)، می‌توان گفت در انجام برخی اعمال حقوقی قصد ایجاد موقعیت‌های خاص حقوقی وجود دارد و همین قصد است که برخی اقدامات را از سایرین متمایز کرده و صلاحیت تکمیلی را که در معنای لغوی عبارات آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی و اسپانیایی می‌یابیم، توجیه می‌کند (Kolasa, 2018: 65).

دشواری دوم و شاید حتی مهم‌تر، مربوط به تعریف اقدامات یکجانبه است. حقوقدانانی همچون وولور بیان می‌کنند که در تعریفی که از این قبیل اعمال ارائه شده، تمرکز اصلی تعریف به‌ویژه بر ماهیت یکجانبه این اعمال قرار گرفته و دیدگاهی محدودکننده از اقدامات یکجانبه مورد تأکید بوده است. از جمله در بسیاری از این تعاریف تنها بعدی که مورد توجه قرار گرفته، این است که یک عمل یکجانبه به‌تنهایی تأثیرات حقوقی ایجاد می‌کند و نه به‌عنوان عنصری از روند مذاکره^۱. در همین خصوص یک مثال مشهور از یک اقدام یکجانبه که اساساً خودمختار و در بطن مذاکره‌ای دوجانبه معنا می‌یابد، اما بارها به‌عنوان عملی کاملاً خودبسنده مورد اشاره قرار گرفته است، اعلامیه اهلن^۲ است که در واقع پاسخی توسط وزیر امور خارجه نروژ به درخواست مقامات دانمارکی بود. بنابراین، با پذیرش این استدلال شاید بسیاری از اعلامیه‌های یکجانبه را نتوان مصداق دقیقی از اعمال یکجانبه به‌شمار آورد. خودمختاری به‌عنوان عنصری از اعمال یکجانبه در نگاه این دسته از حقوقدانان به این معناست که عمل مورد بحث بدون دخالت لازم در مورد اقدام منطبق از سوی کشور دیگر، تأثیرات حقوقی ایجاد می‌کند. در همین زمینه برخی معتقدند اقداماتی همچون تصویب، الحاق و حق شرط بر معاهدات را باید اعمال یکجانبه فرعی^۳ نامید (Woolaver, 2019: 79).

«عمل حقوقی در یک معنای بسیار وسیع، عبارت است از هر عملی (فعل یا ترک فعل) که موضوع یک اثر قانونی باشد، خواه از روی قصد یا از روی عدم قصد...» اما عمل حقوقی یکجانبه عملی دانسته شده است که با اراده یک طرف منشأ آثار حقوقی شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۴۷۲). در حقوق بین‌الملل، برخی از اعمال دولتی و اعمال سازمان‌های بین‌المللی به این علت که از قدرت لازم برای

۱. برای مثال می‌توان به تعریفی که کمیسیون اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا از اعمال یکجانبه ارائه کرده است اشاره کرد: «عمل یکجانبه به عملی گفته می‌شود که در آن فقط یک طرف عمل خواهد کرد...». ر.ک:

uneswa, unilateral act, Available Online at: <https://archive.unescwa.org>, 2020.

2. Ehlen Declaration

3. Unilateral sub-actions

متعهد ساختن دولت‌ها برخوردارند، جایگاه خاصی دارند. ژاکه^۱ این دسته از اعمال را این‌گونه تعریف می‌کند: «عمل حقوقی یکجانبه عملی است که به موجب آن تابع حقوق بین‌الملل متعهد می‌شود که از یک رفتار یا شیوه معین تبعیت کند» (Fiedler, 1984: 518). در عین حال، میشل ویرالی را اعتقاد بر آن است که «عمل یکجانبه عملی است که فقط از یک عامل صادر می‌شود» (میری، ۱۳۷۴: ۲۲). وولور معتقد است که تعریفی که بدین صورت از اقدامات یکجانبه دولت‌ها در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد آزمایش‌های هسته‌ای مورد تأکید قرار گرفته است: «...تعهدی از این نوع، اگر به صورت علنی داده شود و با قصد مقید باشد، اگرچه در چارچوب مذاکرات بین‌المللی انجام نشده باشد، لازم‌الاجراست. در این شرایط، هیچ چیزی در ماهیت^۲ و یا هرگونه پذیرش بعدی اعلامیه، حتی هیچ‌گونه پاسخ یا عکس‌العمل از طرف سایر کشورها، برای تأثیرگذار بودن اعلامیه لازم نیست...» (ICJ, 1974: Para. 31)، از محدودیت بسیاری رنج می‌برد (Woolaver, 2019: 82).

از یک منظر، اعمال یکجانبه را می‌توان اعمالی به‌شمار آورد که از قابلیت استناد به یک شخص بین‌المللی عمومی برخوردار باشند (Osieke, 2017: 245). با وجود این، تعریفی مشخص و یکدست که جامع انواع این اعمال باشد، ارائه نشده است. از مهم‌ترین اعمال دولتی که کشورها را متعهد می‌سازد، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- شناسایی کشور یا حکومت، اعتراض و سکوت، اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها، فسخ معاهده، حق شرط، تعلیق اجرای معاهده؛ برای مثال در پرونده داوری "جزیره لامو" در سال ۱۸۹۹ سرداور بارون لمبرمونت بیان کرد اعلامیه‌های یکجانبه در صورتی که به حصول توافقی منجر شوند، الزام‌آور محسوب می‌شوند (Garner, 1933: 495). این رأی در جریان رسیدگی به پرونده گرینلند شرقی (۱۹۳۳) در دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری نیز مورد اشاره و تصدیق قرار گرفت (PCIJ, 1933: Para. 58)؛
- اعمالی که حقوق بین‌الملل آنها را در صلاحیت کشورها دانسته است، مثل تعیین عرض دریای سرزمینی و منطقه مجاور؛
- اعمالی که ایجادکننده سابقه عرفی هستند، مثل اعلامیه‌های دیپلماتیک، مکاتبات سیاسی و دیپلماتیک و دستورالعمل‌های دیپلماتیک؛
- تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی نیز تحت عنوان قطعنامه عموماً موجد سابقه عرفی‌اند.

1. Jacques
2. quid pro quo

اصلی‌ترین ویژگی اقدام یکجانبه، داشتن ریشه در یک دولت یا به بیان دقیق‌تر، در یک موجودیت است که می‌تواند از چندین حالت تشکیل شود. چنین عملی می‌تواند ماهیتی سیاسی، اقتصادی یا حقوقی داشته باشد. اعمالی از این دست، لزوماً مستلزم کتابت نیست و می‌تواند مستقیماً از رفتار یک کشور و یا از فعل‌ها و ترک فعل‌های آن ناشی شود (Kolasa, 2018: 59). اعمال ناشی از میل و اراده دولت‌ها گاه صرفاً جهت تأثیر و یا تأثر یک دولت از امری در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرند و هیچ نوع رابطه یکجانبه‌ای را در پی نخواهند آورد و یا ممکن است مستقلاً از سوی دولت انجام گرفته و موجد رابطه‌ای یکجانبه باشند. بنابراین چنین اعمالی با برخورداری از ویژگی‌های اعمال یکجانبه در مفهوم خاص، یعنی صلاحیت صادرکننده، یکطرفه بودن، استقلال عمل، محتوا و تعهد، منبعی برای حقوق بین‌الملل خواهند بود (هاشمی، ۱۳۸۱: ۵). هرچند، در ماده ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نشانی از اعمال یکجانبه نمی‌توان یافت، اما فرض وجودی و اعتبار حقوقی چنین اعمالی در رویه عملی دولت‌ها و نظریات علمای حقوق بین‌الملل، مورد پذیرش و تصدیق قرار گرفته است. از جمله در قضیه مربوط به آزمایش‌های هسته‌ای (ICJ, 1974: Para. 253)، دیوان از «ماهیت صرفاً یکجانبه» بعضی از اعمال حقوقی الزام‌آور صحبت کرده است. همچنین در قضایای فلات قاره دریای شمال (ICJ, 1969: Para. 28)، فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه (ICJ, 1984: Para. 240) و اختلافات مرزی (ICJ, 2013: Para. 40) به‌صراحت وجه الزام‌آوری اعمال یکجانبه را مورد پذیرش قرار داده است. می‌توان گفت الزام‌آور بودن اعمال یکجانبه در رویه‌های موجود پذیرفته شده است، هرچند برخی نویسندگان شرایطی را برای برخورداری عمل یکجانبه از این خصیصه لازم دانسته‌اند. از جمله صحت عمل، مستند بودن عمل به عملکرد یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها در صورتی که فاقد وصف قراردادی باشد، واجد اثر حقوقی بودن در قلمرو حقوق بین‌الملل و در نهایت مستقل بودن عمل (Saganek, 2015: 85). بنابراین می‌توان گفت «عمل یکجانبه، عملی است حقوقی، یک‌طرفه و به‌منظور ایجاد آثار حقوقی که به صرف ابراز اراده یک کشور منشأ آثار و قواعد حقوقی شده، بدون اینکه برای دیگر کشورها تعهدی ایجاد کند؛ مگر در مواردی که حقوق بین‌الملل عام اجازه داده باشد و یا سایر کشورها به آن رضایت داده باشند (میری، ۱۳۷۴: ۱۴)». در این معنا، اعمال یکجانبه قادرند به‌عنوان منبع حقوق بین‌الملل در معنای منابع صوری مذکور در ماده ۳۸ اساسنامه ICJ به‌شمار آیند و نتوان تقدم و تأخری بین آن منابع و اعمال یکجانبه از لحاظ میزان اهمیت یافت. تعهد ناشی از اعمال یکجانبه برخاسته از قصد دولت صادرکننده، حسن نیت، وفای به عهد و ایجاد انتظارات مشروع در مخاطب است. از این‌رو ناگزیر عمل باید از سوی فرد یا مقام صالح به‌صورت کتبی یا شفاهی، جمعی یا شخصی و به‌واسطه اعلامیه یا رفتار انجام گیرد (میری لواسانی، ۱۳۸۵: ۱۱).

۲.۲. اعمال یکجانبه در گزارش گزارشگر ویژه

حتی در گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل در مورد اعمال یکجانبه نیز می توان سردرگمی در تعریف این اقدامات را ملاحظه کرد. شاید به همین سبب باشد که در این گزارش ها نیز نمی توان نشانی از تعریف قاطع و صریح از این قبیل اعمال یافت. در پنجاه و سومین جلسه کمیسیون که در سال ۲۰۰۱ برگزار شد، این دیدگاه ابراز شد که با توجه به رفع ابهام از بسیاری از واژگان دخیل در مفهوم اعمال یکجانبه دولت ها، لازم است به منظور ارائه تعریفی دقیق از آنها تلاش شود (Cedeño, 2002: 49 Para.). همگام با تکامل مباحث، پیش نویس تعریف اقدامات یکجانبه مورد مقبولیت بیشتری قرار گرفت و از این رو بعدها از نظر اصطلاحاتی که در گزارش سوم تنظیم شده بود، به کمیته پیش نویس ارائه شد. از جمله وجوه ممتاز کار گزارشگر ویژه در این زمینه، تلاش برای ارائه تعریفی مقبول از این اعمال بوده است. وی بیان کرد که اعمال یکجانبه توسط دولت و به قصد ایجاد آثار حقوقی مشخص بر اساس حقوق بین الملل انجام می شود (کریمی، ۱۴۰۰ الف: ۳۰۰). در این نگاه، گزارشگر ویژه، ارزش بالایی برای اراده دولت صادرکننده عمل قائل شده و چنین عاملی را در تعیین امکان ادامه حیات عمل یکجانبه با محتوای سابق مؤثر دانسته است (کریمی، ۱۴۰۰ ب: ۱۰۸). «حقیقت غیرقابل انکار آن است که متدولوژی حقوق بین الملل بر رویه دولت ها بنا می شود و تعهدپذیری دولت ها تا حدود زیادی بر محور اراده آنها استوار شده است» (حدادی و کریمی، ۱۳۹۶: ۲۸۹).

با توجه به اختلاف نظرهایی که در این خصوص وجود داشت، برخی تغییرات اعمال شد. از جمله اینکه کلمه اعلامیه^۱ با عمل^۲ جایگزین شد؛ چراکه گسترده تر بوده و در مقایسه با اعلامیه از ماهیتی کمتر انحصاری برخوردار بود و تمام اقدامات یکجانبه، از جمله مواردی را که ممکن است در قالب اعلامیه قابل تنظیم نباشند، در برمی گرفت (Cedeño, 2002: Para. 51). مفهوم «خودمختاری» نیز از پیش نویس این تعریف حذف شد. اگرچه گزارشگر ویژه عقیده داشت که خودمختاری ویژگی مهمی است که شاید باید متفاوت تفسیر شود، اما در هر صورت به معنای استقلال از سایر رژیم های قانونی بوده و به این معناست که چنین اعمالی می توانند به خودی خود ایجادکننده تأثیراتی تلقی شوند (Cedeño, 2002: Para. 52). به طور کلی، قاعده اساسی که در خصوص همه اقدامات یکجانبه مورد پذیرش قرار گرفته، عبارت از اصل حسن نیت است؛ موضوعی که گزارشگر ویژه در اولین گزارش خود به طور خلاصه به آن پرداخت (Cedeño, 2002: Para. 150). پرسش از ماهیت اعمال یکجانبه و مبنای الزام آور بودن آنها در

1. Declaration

2. act

دکترین و کمیسیون مورد بحث قرار گرفته است. همان‌طور که در اولین گزارش در مورد اقدامات یکجانبه دولت‌ها نیز ذکر شده، اصل وفای به عهد به‌راحتی توسط اقدامات یکجانبه قابل جذب و انتقال است (Cedeño, 2002: Para. 151). مسئله حائز اهمیت در این زمینه، همواره این امر بوده است که معیارهای هنجاری لازم، با در نظر گرفتن ماهیت، عناصر و مبنای حقوقی اعمال یکجانبه به‌صورت عمل‌گرایانه تعیین شود تا رژیم حقوقی را تدوین کند که دولت‌ها هنگام بررسی مبنای سیاست خود به آن رجوع کنند. اگرچه کمیسیون از سال ۱۹۹۶ این موضوع را در دست بررسی داشت، همواره با اختلاف‌نظرهای متعدد دست به گریبان بوده و پیشرفت آن کند بود (Goodman, 2006: 43).

۳. تقسیم‌بندی اعمال یکجانبه دولت‌ها

اعمال یکجانبه که گاه به‌عنوان «تعاملات غیررسمی دولت‌ها» توصیف می‌شوند، هرچند خارج از مرزهای رسمی رژیم عهدنامه‌ها قرار می‌گیرند، اهمیتی کمتر از توافقی‌های متعارف ندارند؛ واقعیت‌های روابط بین‌الملل گواهی است بر این مدعا. اعمال یکجانبه مشتمل بر رفتار دولت‌هاست که به‌واسطه اصل خودمختاری اراده دولت‌های مستقل ایجاد شده و مورد تأکید قرار گرفته است، الزام‌آور است و مطابق با اصل اساسی حسن نیت تفسیر می‌شود (Scheinin & Vermeulen, 2020: 21). در یک تقسیم‌بندی اعمال یکجانبه را تحت تقسیم کلی به اعمال خودمختار (از نظر توانایی تولید آثار قانونی) و اعمال غیر خودمختار قرار داده‌اند. در چنین رویکردی، اعمال خودمختار به‌خودی‌خود می‌توانند عواقب قانونی موردنظر، مانند وعده‌ها، را در پی داشته باشند و در مقابل، اعمال غیر خودمختار فقط می‌توانند آثار حقوقی همراه با سایر اقدامات قانونی مانند تصویب در رابطه با یک معاهده معین را به‌وجود آورند (Kolasa, 2018: 59). در طبقه‌بندی دیگر، این اعمال را با توجه به منشأ صدور، به دو دسته اعمالی که از حاکمیت دولت‌ها نشأت می‌گیرند و اعمالی که ریشه در حقوق بین‌الملل دارند، تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی، از کلی‌گرایی رنج می‌برد و برای انتقال مفهوم دقیق اعمال یکجانبه نارساست؛ به‌خصوص با این انتقاد جدی مواجه است که اعمال دسته دوم، اصولاً یکجانبه محسوب نمی‌شوند. تقسیم‌بندی شایان توجه دیگر این است که اعمال یکجانبه را به لحاظ درجه استقلال به اعمال یکجانبه مستقل و غیرمستقل تقسیم می‌کنند که از جمله مهم‌ترین موارد آن می‌توان به بیانیه‌ها، شناسایی، اعتراض، اعراض یا صرف‌نظر کردن، تذکار یا اطلاع دادن و قول یا وعده اشاره کرد.

در خصوص مخاطب اعلامیه‌های یکجانبه، رویه دولت‌ها بر آزادی عمل آنان دلالت می‌کند. اعلامیه یکجانبه مصر در خصوص کانال سوئز همه دولت‌ها را مخاطب خود قرار داد (Secretary of State,)

642 (1957) و سخنرانی پادشاه اردن در سال ۱۹۹۸ در راستای اعراض این دولت از حاکمیت بر کرانه باختری رود اردن به نحو غیرمستقیم خطاب به جامعه بین‌المللی بود (Cedeño, 2005: Para. 45). همچنین می‌توان به اعلامیه یکجانبه کوفی عنان دبیر کل ملل متحد در مورد رعایت قوانین بشردوستانه بین‌المللی توسط نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (UN, 1999) اشاره داشت. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اعطاف در رویه دولت‌ها را در این خصوص مورد پذیرش قرار داده است. همچنین بند ۶ اصول راهنمای کمیسیون حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد که اعلامیه‌های یکجانبه ممکن است خطاب به جامعه بین‌المللی در کل، یک یا چند دولت یا دیگر موجودیت‌ها صادر شوند (Cedeño, 2004: Para. 63).

۴. بطلان و بی‌اعتباری اعمال یکجانبه

«به‌طور طبیعی، این یکی از پرسش‌های مهم درباره هر نوع حق یا تکلیفی است که چگونه و تابع چه مکانیسمی می‌توان آن را خاتمه داد. تعهد ناشی از اعمال یکجانبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل نیز از این دایره مستثنا نیست. اعمال یکجانبه دولت‌ها در دهه‌های اخیر کثرت قابل توجهی پیدا کرده و به یکی از الگوهای اصلی عمل دولت‌ها در نظام قاعده‌سازی حقوق بین‌الملل تبدیل شده است» (کریمی، ۱۴۰۰: ۹۷). البته همان‌گونه که پیشتر و در تبیین اعمال حقوقی گفته شد، وجود قصد ایجاد آثار حقوقی از جمله عناصر اساسی شکل‌گیری چنین اعمالی محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت اعمال حقوقی یکجانبه نیز پس از شکل‌گیری، مستلزم آثاری هستند. از جمله اینکه ممکن است موجد حقی برای ابرازکننده عمل و یا تعهدی برای آن دولت باشند، رابطه حقوقی پیشین را اعتبار بخشیده و یا بی‌اعتبار نمایند و یا به نوبه خود اثری در ایجاد قاعده عرفی و یا تکوین و شکل‌گیری معاهدات برجای گذارند (میری، ۱۳۷۴: ۱۷). این موضوع توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در پنجاه و دومین جلسه خود، در سال ۲۰۰۰، بر اساس گزارش سوم ارائه‌شده توسط گزارشگر ویژه بررسی شد. به‌طور کلی می‌توان گفت شرایط اعتبار اقدامات یکجانبه و رژیم کلی حاکم بر بی‌اعتبار بودن این اقدامات، به‌وضوح، ارتباط نزدیکی با هم دارند. کمیسیون طرح پیش‌نویسی مشابه کنوانسیون وین در این زمینه تدوین کرد که متعاقباً تصویب نشد و اظهار شد که برای تنظیم عملکرد اقدامات یکجانبه، لازم نیست شرایط اعتبار این اقدامات در ماده خاصی از پیش‌نویس مواد، بیش از آنچه در کنوانسیون وین وجود دارد، ذکر شود (Cedeño, 2002: Para. 87). با توجه به شباهتی که از منظر برخی نویسندگان میان احکام حقوقی اعمال یکجانبه با حقوق معاهدات وجود دارد، پرسش اصلی قابل طرح در این زمینه این است که دلایل بطلان ارائه‌شده در کنوانسیون وین ۱۹۶۹ تا چه اندازه می‌توانند در مورد اعمال یکجانبه قابل اجرا باشند؟ برخی معتقدند از

آنجا که اعمال یکجانبه نیز همچون معاهدات بین‌المللی به‌عنوان منبعی برای حقوق و تعهدات بین‌المللی شناخته می‌شوند، الزامات مشترک برای اعتبار آنها اساساً از اعتبار حقوق معاهداتی برخوردارند (Kassoti, 2012: 143). با رعایت رژیم کنوانسیون وین و استفاده از آن به‌عنوان راهنما، شرایط اعتبار اقدامات یکجانبه عبارت‌اند از: تدوین عمل توسط یک دولت، نماینده مجاز یا واجد شرایط برای اقدام از طرف دولت (ICJ, 1982: Para. 98)، قانونی بودن هدف که نباید با یک قاعده حقوقی بین‌المللی مغایرت داشته باشد و تجلی اراده عاری از نقص^۱. برخی دیگر از موضوعات مرتبط باید همزمان با اعتبار و دلایل عدم اعتبار مورد بحث قرار گیرند، مانند رابطه بین اقدامات یکجانبه و تعهدات قبلی که توسط دولت متعهد بر عهده گرفته شده است (Cedeño, 2002: Para. 85). از این رو مطابق این دیدگاه، الزامات اعتبار بدین شرح است: عمل یکجانبه باید توسط شخصی با توانایی تنظیم آن صادر شده باشد، محتوای آن باید از نظر مادی امکان‌پذیر بوده و توسط یک قاعده اجباری حقوق بین‌المللی عمومی^۲ منع نشده باشد و قصد بیان شده توسط صادرکننده عمل باید مطابق با هدف واقعی صادرکننده باشد و نباید تحت تأثیر نقص یا عوامل بی‌اعتبارساز قرار گیرد. همان‌گونه که طبق ماده ۶۴ کنوانسیون وین، برآمدن قاعده جدید موجب فسخ معاهده می‌شود، این اثر در خصوص قواعد آمره نیز مجراست. در مورد اعمال یکجانبه مغایر با دیگر قواعد عادی و غیرآمره حقوق بین‌المللی، هم‌ذی‌نفع تعهد اولیه نقض شده و هم‌ذی‌نفع عمل یکجانبه می‌توانند به مسئولیت این دولت استناد کنند. از این رو به طریق اولی، می‌توان بازپس‌گیری تعهدات یکجانبه موجد حق برای طرف ثالث را نیز واجد همین اثر به‌شمار آورد. باید توجه داشت که نخستین وظیفه دولت مسئول طبق بند «الف» ماده ۳۰ پیش‌نویس طرح مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی کمیسیون حقوق بین‌المللی (۲۰۰۱) توقف عمل متخلفانه در صورت استمرار آن است؛ این تکلیف به محض وقوع فعل متخلفانه و به‌صورت خودکار بر عهده دولت متخلف قرار می‌گیرد (کرافورد، ۱۳۹۵: ۵۸۵). در سال ۲۰۱۶ زمانی که دولت آفریقای جنوبی به یکباره خروج خود از اساسنامه رم را اعلام کرد، دیوان حکم صادره از دادگاه عالی آفریقای جنوبی را تأیید کرد. این حکم تأکید می‌ورزید که تصمیم قوه مجریه مبنی بر خروج از دیوان در حوزه

۱. «طبق یک اصل شناخته‌شده حقوقی، برای اعتبار هر عمل حقوقی سه شرط لازم است: تابع یا عامل صالح (دارای اهلیت قانونی)، موضوع و هدف مشروع و بالآخره اراده آزاد عامل. اعتبار معاهدات، اعم از دوجانبه یا چندجانبه نیز تابع همین شرایط است و بنابراین موضوع و هدف تحت سه عنوان تشریح می‌شود: اهلیت طرف‌های معاهده، رضایت طرف‌های معاهده، مشروعیت موضوع و هدف معاهده». ر.ک: ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۰۱.

2. jus cogens

تصمیم به بازپس‌گیری تعهدات یکجانبه‌ای همچون پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری، فاقد وجهت قانونی و بی‌اعتبار است (Fabricius, 2017).

رویه دولت‌ها نیز از ضرورت عدم مغایرت اعمال یکجانبه با قواعد حقوق بین‌الملل عمومی حمایت می‌کند. دیوان در قضیه فلات قاره دریای شمال نیز لزوم وجود قصد واقعی دولت صادرکننده عمل یکجانبه را مورد تصریح قرار می‌دهد. در پرونده اختلافات مرزی اعلام می‌کند که در ارزیابی عنصر قصد و نیت، دولت صادرکننده اعلامیه یکجانبه باید به اوضاع و احوال واقعی که اعلامیه طی آن صادر شده است، توجه کرد (ICJ, 2013: Para. 40). در پرونده مربوط به فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو نیز از معیار دیگری به نام توجه به محتوای اعلامیه یا محتوای اساسی برای تشخیص ابعاد حقوقی اعلامیه یاد شده است (ICJ, 1984: Para. 49). در قضیه رأی داوری صادرشده توسط پادشاه اسپانیا از دو معیار یعنی محتوای اعلامیه و سپس رویه بعدی دولت نیکاراگوئه استفاده شد تا مشخص شود که اعلامیه صادره توسط رئیس‌جمهور این کشور به قصد ایجاد آثار الزام‌آور حقوقی صادر شده است (ICJ, 1960: Para. 11-13). همچنین عدم مغایرت عمل یکجانبه با تعهدات بین‌المللی دولت صادرکننده در گزارش دوم گزارشگر ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد و بیان می‌شود برای اینکه اعمال یکجانبه معتبر باشند، باید با تعهدات معاهداتی دولت مورد بحث تطابق داشته باشند (Cedeño, 1999: Para. 116). در رویه قضایی نیز دیوان در پرونده فلات قاره میان تونس و لیبی به همین نکته اشاره کرده است (ICJ, 1985: Para. 87).

طبق نظریه کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص شخص یا نهاد صالح برای انجام عمل یکجانبه، این اعمال زمانی لازم‌الاجرا هستند که توسط مقامی صادر شده باشند که اختیار چنین کاری به وی اعطا شده است. رهبران دولت‌ها، حکومت‌ها و وزیران امور خارجه، به دلیل سمتشان برای انجام چنین اعمالی صلاحیت دارند (Cedeño, 2002: Para. 82). این موضوع به‌ویژه در پرونده فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در کنگو مطرح بود. در این پرونده دیوان با اقدامی از سوی وزیر دادگستری رواندا روبه‌رو شد. این دولت مدعی بود که در حقوق بین‌الملل فقط اقدامات رهبران دولت‌ها و وزیران امور خارجه تعهدآور است و اقدامات مسئولان دیگر چنین ماهیتی ندارد. دیوان معتقد بود مقامات دیگری که در زمینه‌ای خاص دولتی را نمایندگی می‌کنند، ممکن است از سوی آن دولت مجاز باشند که در موضوعی که در حیطه صلاحیتشان قرار دارد، آن دولت را متعهد کنند و وزیر دادگستری می‌تواند در شرایطی موجب تعهد دولتش شود (ICJ, 2006: Para. 50).

در مورد شکلی که اقدامات یکجانبه باید داشته باشد، فرض بر این است که آزادی قابل توجهی وجود

دارد. با این حال طرفداران همین نظریه^۱ را اعتقاد بر آن است که برخی از اعمال یکجانبه صرفاً در مقام تعیین موضوع و در جریان تدوین یک معاهده بین‌المللی اتخاذ و اعلام می‌شوند و در این زمینه تابع قواعد شناخته‌شده حقوق معاهدات نیز هستند. بنابراین دلایل بطلان قابل بحث در این حوزه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. عدم اعتبار اقدام یکجانبه به دلیل عدم صلاحیت نماینده؛ در یکی از پرونده‌های رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، این موضوع مطرح بود که آیا اظهارات نمایندگان حقوقی یک دولت در مراحل رسیدگی می‌تواند اعلامیه یکجانبه آن دولت تلقی شود؟ این موضوع به این دلیل مطرح شد که نماینده آمریکا طی رسیدگی به پرونده اعلام کرد که مقامات کشورش قوانین داخلی مغایر با مقررات سازمان تجارت جهانی را به چالش خواهند کشید. اتحادیه اروپا نیز اعتقاد داشت این اظهارات موجب تعهد برای دولت آمریکاست. رکن حل اختلاف اعلام کرد که روابط به شدت پیچیده دولت‌ها در عصر حاضر نمی‌پذیرد که اظهارات نماینده یک کشور را در رکن حل اختلافات به عنوان اعلامیه یکجانبه به حساب آوریم. اما اظهارات نماینده آمریکا، عمداً و به صورت کتبی بیان شده، در حاشیه استدلالات هیأت آمریکایی نبوده و به صورت مستقل مطرح شده است. در حالی که مقامات این کشور فرصت داشتند تا آنها را پس بگیرند، اما در جلسه دوم رسیدگی این اظهارات را بار دیگر تکرار کردند، پس می‌توان آنها را اعلامیه یکجانبه تلقی کرد (WT/DS, 1974: Para. 118).

۲. دلایل بطلان مربوط به اظهار رضایت مشتمل بر احکام مربوط به تقلب، فساد نماینده و اجبارند که در گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل (Cedeño, 2002: Para. 82) می‌توان گفت به صورتی یکسان با مبانی حقوق معاهدات اجرا می‌شوند؛

۳. بطلان یک عمل یکجانبه به این دلیل که مغایر با هنجارهای امره شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل است (Goodman, 2006: 46).

در اینجا لازم است در خصوص این پرسش بحث شود که آیا می‌توان به عنوان دلیل برای بطلان عمل یکجانبه، این حقیقت را که این قانون با نقض آشکار یک ماده قانون داخلی که از اهمیت اساسی برخوردار است همراه بوده و مربوط به صلاحیت انعقاد معاهدات است، استناد کرد؟! اما مشکل اصلی این است که متون قانون اساسی تمایل دارند مکانیسم‌ها و ارگان‌هایی را که می‌توانند در ابراز رضایت دولت در مورد معاهدات بین‌المللی مشارکت داشته باشند، مشخص کنند، اما در مورد اقدامات یکجانبه چنین رویکردی نداشته‌اند. با وجود این، به اعتقاد کمیسیون حقوق بین‌الملل، می‌توان قاعده «بطلان یک عمل

1. Jan Kolasa(2003), Jon C. Rogowski(2019), William G. Howell(2005).

یکجانبه که با یک هنجار دارای اهمیت اساسی در قانون داخلی کشوری که آن را صادر کرده است در تضاد قرار دارد» را به عنوان یک اصل کلی مورد پذیرش قرار داد (Cedeño, 2002: Para. 81-83).

۵. خاتمه و تعلیق اعمال یکجانبه

دیوان در رأی مربوط به قضیه آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه بیان می‌دارد همان گونه که اصل وفای به عهد^۱ در حقوق معاهدات مبنای الزام‌آوری یک تعهد بین‌المللی است، اعلامیه یکجانبه هم بر اصل حسن نیت^۲ استوار است. از این رو دولت‌های ذی نفع می‌توانند نسبت به اعلامیه‌های یکجانبه‌ای که صادر می‌شوند، اعتماد کنند و حق دارند تقاضا کنند که تعهد ایجادشده، مراعات شود (ICJ, 1974: Para: 59 & 63).

همان گونه که گفته شد، در خصوص اعمال یکجانبه، اصل حسن نیت نوعی الگوی ماهوی و بیانگر لزوم حفظ چنین اقداماتی در طول زمان است. از نظر منطقی، صادرکننده یک عمل حقوقی یکجانبه، نمی‌تواند در بازپس‌گیری یا تغییر عمل مزبور و آثار ناشی از آن طی عمل یکجانبه دیگری مختار شمرده شود و قاعدتاً لغو فقط در موارد پیش‌بینی‌شده توسط هنجارهای عمومی سیستم حقوقی بین‌المللی قابل قبول است، چراکه در غیر این صورت، ارزش الزام‌آوری همان اعمال به کناری نهاده شده و عملکرد خودسرانه دولت‌ها جایگزین آنها می‌شود. در قضیه گرینلند شرقی، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری به همین نکته اشاره کرد (PCIJ, 1933: Para.76).

در موضوع مورد بحث حاضر، دو واژه لغو^۳ و خاتمه^۴ اثر عمل یکجانبه را به دفعات بسیار می‌توان ملاحظه کرد. با اینکه گاهی این دو اصطلاح به جای یکدیگر به کار برده شده‌اند، گزارشگر ویژه به درستی تفاوت مفهومی میان آنها را مورد اذعان قرار داده است. اصطلاح «لغو» دلالت بر این دارد که چیزی (در این مورد، یک اقدام یکجانبه) فسخ شده است یا هیچ اثر دیگری نخواهد داشت، زیرا دولت صادرکننده، آن را بدین نحو تنظیم کرده است. «تعلیق» - برخلاف فسخ که قطعی است - به معنای توقف موقتی رعایت عمل یکجانبه می‌شود. برخلاف آنچه در اصل می‌توان تصور کرد، این دو مفهوم دارای ویژگی‌های مشترک بسیاری هستند (Cedeño, 2006: Para. 21). به عبارت دیگر، واژه نخست به اختتام ارادی اعمال یکجانبه نظر دارد و واژه دوم به پایان غیرارادی این دسته از اعمال در اثر مؤلفه‌هایی همچون غیرممکن شدن مادی اجرای تعهد، فورس ماژور، از بین رفتن دولت صادرکننده و... اشاره می‌کند.

1. Pacta Sont Servanda
2. Bonne Foi
3. revocation
4. Termination

کند (Eckart, 2012: 53). بنابراین، شرایط لغو عمل یکجانبه را می‌توان نسبت به دولت صادرکننده به دو دسته تقسیم کرد:

۵.۱. لغو عمل یکجانبه بدون دخالت اراده دولت صادرکننده

اعمال یکجانبه شکل خاصی از تجلی اراده یک دولت است که مانند هر رفتار دیگر یک دولت، می‌تواند آثار حقوقی ایجاد کند. در حقوق بین‌الملل دولت‌ها می‌توانند از طریق ابراز اراده حقوق و تعهدات قانونی کسب کنند (Kassoti, 2016: 145)؛ اما واقعیت آن است که همواره ممکن است شرایطی به وجود آید که در آن، اقدامات یکجانبه نیز برای انعکاس آثار خود در زمان فعلی نیازمند تغییر باشند. هیچ چیز تغییرناپذیر نیست و اقدامات یکجانبه نیز لزوماً از این قاعده مستثنا نیستند. نکته مهم این است که در مورد این اقدامات، اراده طرف تنظیم‌کننده آنهاست که تعیین می‌کند آیا این فعل باید دارای همان محتوای مشابه باشد یا اینکه به نوعی قابل اصلاح است. بنابراین، امکان اصلاح اقدام یکجانبه از امتیازات طرف تنظیم‌کننده آن است، اگرچه تغییرات ایجاد شده نباید در اصل عمل تأثیر بگذارد، زیرا در غیر این صورت، در واقع به یک اقدام یکجانبه جدید تبدیل می‌شود که قاعده قبلی را از اعتبار ساقط خواهد کرد. ممکن است کشوری به مدت ۱۰ سال به تعهد یکجانبه خود عمل کند (Goodman, 2006: 49)؛ در چنین مواردی، در صورت انقضا مدت یا تحقق شرط، بدون نیاز به هیچ‌گونه اقدام خاصی، تعهد متوقف می‌شود. ممکن است مورد دیگری رخ دهد که دولت صادرکننده، صریحاً امکان لغو آن را در شرایط خاص فراهم کند. با این حال، اگر احتمال لغو نه از متن عمل قانونی یکجانبه و نه از ماهیت آن ناشی شود، تعهد و معافیت یکجانبه، در اصل غیرقابل فسخ است (گروه آموزشی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). این نکته‌ای است که در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه نیز مورد تأکید قرار گرفته است (ICJ, 1984: Para. 33).

در برخی شرایط اعمال یکجانبه ممکن است اصلاح شوند یا خاتمه یابند، حتی اگر این نتایج به‌طور واقعی توسط دولت متعهد به آنها در نظر گرفته نشده باشد. ناتوانی دولت در ایفای تعهد، این واقعیت که موضوع متوقف شده یا یک تغییر اساسی در شرایط ایجاد شده است، دلایل معتبری برای خاتمه یا اصلاح یک اقدام یکجانبه هستند، درحالی‌که ظهور یک قاعده امره جدید حقوق بین‌الملل، هرگونه اقدام یکجانبه قبلی را که با آن مغایرت داشته باشد، منفسخ خواهد کرد (Cedeño, 1966: 36).

تا زمانی که اعلامیه برگشت‌ناپذیر بودن خود را مشخص نکرده باشد، کشور یا کشورهایی که تعهدی به نفع آنها ایجاد شده است نمی‌توانند به خواست کشور اعلام‌کننده در خصوص عقب‌نشینی یا اصلاح آن

اعتراض کنند. اگرچه دولت اظهارکننده مسئول پرداخت غرامت یا جبران خسارت در رابطه با ضرر یا خسارت ناشی از آن خواهد بود. هرچند این موضوعی است که اساساً در حوزه مسئولیت بین‌المللی و اسناد مرتبط با آن قابل طرح است. به‌طور خلاصه، هدف، اطمینان از حفظ اقدامات یکجانبه بوده است که فقط در شرایط استثنایی و غیرخودسرانه فسخ شده یا مقررات آنها اصلاح شود یا به حالت تعلیق درآید (Goodman, 2066: 51).

۵.۲. لغو عمل یکجانبه با دخالت دولت صادرکننده عمل

همان‌گونه که گفته شد، وعده‌های یکجانبه دولت‌ها در قالب اقدامات یکجانبه می‌تواند تعهدات الزام‌آور بین‌المللی در قبال سایر دولت‌ها ایجاد کند. بر این اساس، بیانیه کتبی یا شفاهی (اعلامیه یکجانبه) «دارای تعهدی حقوقی» طبق قواعد بین‌المللی است که «با قصد مقید بودن» داده می‌شود. با وجود این و با توجه به آنچه دیوان در رأی مربوط به آزمایش‌های هسته‌ای مورد توجه قرار داده است، آنچه مبرهن است، در رویه قضایی بین‌المللی همچنان حسن نیت را در کنار قصد، عامل مؤثری در شکل‌گیری اعمال یکجانبه به‌شمار می‌آورند. در این میان، پرسشی که علی‌رغم اصول راهنمای ILC همچنان مبهم باقی مانده، نحوه لغو این قبیل اعمال است (Tropper, 2019: 5-6). به‌طور کلی می‌توان گفت در خصوص اعمال یکجانبه دو باور عمده وجود دارد: در استدلال نخست، گفته می‌شود از آنجا که قوانین بین‌المللی از نظر ماهوی و رویه‌ای ناقص هستند، اقدامات یکجانبه در موارد متعددی برای توسعه این قوانین و یا توجیه عملکرد درست آنها نیازند. در باور دوم، اقدامات یکجانبه بر پایه‌ای سست قرار داشته و تاب مقاومت در مقابل تغییرات عملکرد دولت‌ها را ندارند (Finnish, 2018: 3). با توجه به اینکه کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌روشنی به این نکته پرداخته است، شاید نظر دوم را نتوان چندان قابل اتکا به‌شمار آورد. طبق نظر کمیسیون: «اعلامیه یکجانبه‌ای که تعهدات قانونی را برای کشور اعلام‌کننده ایجاد کرده است، نمی‌تواند خودسرانه لغو شود. در ارزیابی اینکه آیا لغو اختیاری است یا خیر، باید به موارد زیر توجه شود:

الف) شرایط خاص اعلامیه مربوط به ابطال؛

ب) ذی‌نفعان این تعهد تا چه اندازه‌ای به عمل یکجانبه مورد بحث اعتماد کرده‌اند؛

ج) میزان تغییر اساسی که در شرایط ایجاد شده است». بدون تردید ممکن است اقدامات یکجانبه در برخی شرایط خاص پس گرفته یا اصلاح شوند. کمیسیون فهرستی از معیارهایی را تهیه کرده است که هنگام تعیین خودسرانه بودن یا نبودن لغو مورد توجه قرار می‌گیرند (Cedeño, 2006: 13).

اگر قصد لغو عمل یکجانبه از قبل و به‌روشنی بیان شده باشد، مانند اقدام یکجانبه موردنظر، در زمان یا

مواقعی که کشور صادرکننده آن اقدام معین کرده باشد، به عنوان مظهر اراده خود، می‌تواند آن را به حالت تعلیق درآورد یا اصلاح کند. گزارشگر ویژه معتقد است که حتی در صورت تعیین تعلیق عمل یکجانبه در بازه زمانی مشخص از سوی دولت متعهد، این تعلیق در زمان مقرر به مورد اجرا گذارده خواهد شد. موضوع فسخ، تعلیق یا تغییر یک عمل یکجانبه زمانی با شرایط پیچیده‌تری مواجه می‌شود که امکان چنین اقدامی در زمان صدور عمل پیش‌بینی نشده باشد. این موضوع حتی در مورد اقدامات یکجانبه‌ای که موجب ایجاد انتظاراتی در مورد اشخاص ثالث شده، پیچیده‌تر می‌شود (Cedeño, 2006: Para. 27).

اعتقاد بر این است که به‌طور کلی، دولت اتخاذکننده عمل یکجانبه می‌تواند آن را لغو یا محتوای آن را اصلاح کند، مشروط بر اینکه مخاطبان آن به‌صراحت رضایت خود را اعلام کرده باشند یا مخالفتی از سوی دول متضرر از آن وجود نداشته باشد. این ایده که از نظر تئوری ممکن است بسیار معقول به‌نظر برسد، در مورد تعهداتی که دارای تأثیرات عام شمول^۱ باشند یا مخاطبان آنها نامشخص‌اند یا در مورد هویت آنان تردید وجود دارد، از صلابت کمتری برخوردار است. مسئله اصلی در این واقعیت نهفته است که پذیرش یکجانبه هرگونه تعهدی، ممکن است موجب ایجاد انتظاراتی در اشخاص ثالث شود که به‌نظر می‌رسد حق خاصی دارند که تصور کنند چنین تعهدی در مورد آنان از اعتبار لازم‌الاجرای برخوردار است. با پذیرش این امر که یک تعهد یکجانبه به محض اطلاع از وجود آن، به نفع مخاطبان خود ایجاد حق می‌کند، این حق و انتظار وجود دارد که صادرکننده عمل یکجانبه به تعهد خود احترام بگذارد. با این حال، همان‌طور که نظام حقوقی حاکم بر معاهدات به طرفین اجازه می‌دهد در شرایطی خاص پیش از انقضا معاهده، خاتمه معاهده را موردنظر قرار دهند، تردیدناپذیری و تغییرناپذیری مطلق تعهد یکجانبه نیز قابل تضمین نیست. در بررسی اینکه آیا تعهد یکجانبه‌ای ممکن است تغییر کند (از طریق فسخ، تعلیق یا اصلاح)، باید به شرایطی که چنین تغییری را ضروری می‌کند و همچنین حسن نیت دولت صادرکننده آن، توجه شود (Cedeño, 1966: Para. 38).

1. Erga Omnes- ofcourse at international law this term means a legal term describing obligations owed by states towards the community of states as a whole. An *erga omnes* obligation exists because of the universal and undeniable interest in the perpetuation of critical rights (and the prevention of their breach). Consequently, any state has the right to complain of a breach. Examples of erga omnes norms include piracy and genocide the concept was recognized in the International Court of Justice's decision in the Barcelona Traction casen (Simma, Bruno; Paulus, Andreas L. (1998). "The 'International Community': Facing the Challenge of Globalization". *European Journal of International Law*. 9(2): 266-277. doi:10.1093/ejil/9.2.266. ISSN 0938-5428) however[(Belgium v Spain) (Second Phase) ICJ Rep 1970 3 at paragraph 33]:

گزارشگر ویژه با اشاره به تشتت آرا و فقدان رویه عملی آشکار از سوی دولت‌ها، اذعان می‌دارد از آنجا که میزان اختلاف نظر با نبود هرگونه عملکرد قابل توجهی که ممکن است درجه مشخصی از وضوح را ارائه دهد، در ایجاد شرایطی پیچیده در خصوص موضوع ترکیب یافته‌اند، بهتر است رویکرد محتاطانه‌ای اتخاذ شود (Cedeño, 2002: Para. 25 & 29). در حال حاضر، به نظر می‌رسد که این موقعیت نه تنها موجب ایجاد بسیاری از عدم قطعیت‌ها می‌شود، بلکه تمایزی را نیز بیان می‌کند که به موجب آن مفاد معاهده بیش از اقدامات یکجانبه از امنیت و اطمینان برخوردارند. گزارشگر ویژه معتقد است که با توجه به وضعیت فعلی، این تمایز واقع‌بینانه نیست. شرایط موضوع، حسن نیت و احتمال اینکه یک اقدام یکجانبه موجب ایجاد انتظاراتی در اشخاص ثالث شده باشد، باید عناصر اساسی تلقی شوند که در تعیین اینکه آیا یک دولت می‌تواند تغییری در اعمال یکجانبه ایجاد کند یا خیر، مورد توجه قرار بگیرند. با این حال، هرگونه تلاش برای ایجاد قوانین ثابت در این مورد به دلیل ماهیت عمل یکجانبه، که بی‌نهایت انعطاف‌پذیر است، ناگزیر بی نتیجه خواهد بود. نبود ارگانی که مسئول بررسی و حل مشکلات بالقوه‌ای باشد که ممکن است در این زمینه به وجود آیند، مانع مهم دیگری است که باید در نظر گرفته شود و در این مرحله کنترل نشدنی است. در این بین، تنها ماده ۳۳ منشور ملل متحد، با آزادی که در مورد انتخاب روش حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات ارائه می‌کند، می‌تواند به عنوان راهنما در این زمینه عمل کند (Cedeño, 2004: Para. 28).

شرایطی که عناصر دو وضعیت ذکر شده را با هم ترکیب کرده و به طور کلی حاکی از امکان فسخ یک عمل یکجانبه است، به طور معمول هنگامی ایجاد می‌شود که عمل یکجانبه مورد نظر به طور کامل انجام گرفته باشد. چنین مواردی ممکن است شرایط متنوعی را در بر داشته باشد: برای مثال عمل یکجانبه ممکن است از طریق اقدام دیگری تکمیل شود (مانند وعده لغو بدهی) یا تعهد تشکیل دهنده قانون یکجانبه ممکن است دارای محتوای خاصی باشد که پس از اتمام، استمرار اعتبار عمل را بی‌فایده می‌کند. در چارچوب نظام معاهداتی، عملکرد حاکی از انقضای معاهدات به اصطلاح قراردادی است، که به عنوان معاهداتی تعریف می‌شوند که روابط حقوقی با ماهیت خاصی را به وجود می‌آورند. زمانی که تعهدات ناشی از چنین معاهده‌ای انجام گیرد، معاهده متوقف می‌شود (Cedeño, 1966: 51).

در پیش‌نویس مربوط به اعمال یکجانبه دولت‌ها، در خصوص تعلیق این دسته از اعمال آمده است:

«اصل ۹. تعلیق اقدامات یکجانبه

یک اقدام یکجانبه ممکن است توسط دولت تدوین‌کننده به حالت تعلیق درآید:

الف) اگر شرایطی که امکان تعلیق آن را فراهم می‌کند در زمان تنظیم آن مشخص شده باشد؛

ب) اگر فعل در زمان تنظیم آن مشروط به تعلیق بوده باشد؛

ج) اگر موضوع آن به طور موقت از حیات خود منصرف شده باشد؛
 د) اگر در شرایط تغییر اساسی ایجاد شده باشد که موجب تنظیم این ماده شده است عملی که تحقق آن را موقتاً غیرممکن می‌کند» (Cedeño, 1966: 52).

در نهایت می‌توان گفت با توجه به عدم شفافیت کامل موضوع و با در نظر داشتن اراده دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه بین‌المللی، در ساخت و پرداخت قواعد و روابط بین‌الملل، با پذیرش جمیع جهات مذکور، به نظر می‌رسد در صورتی که دولت صادرکننده عمل یکجانبه، به دنبال تغییر و یا انصراف تعهد پیشین خود اقدام به صدور عمل یکجانبه دیگری با همین مضمون کند و از سوی دول ذی‌نفع با اعتراض مواجه شود، ملزم به جبران خسارت و پذیرش امکان مراجعه دول مذکور به مراجع قضایی و سیاسی بین‌المللی به دلیل امتناع از جلب رضایت آنان خواهد بود و در صورت عدم اظهار خلاف از سوی سایر اعضای جامعه بین‌المللی که مبنی بر عدم وجود اراده برای مخالفت با وی است، امکان لغو عمل یکجانبه پیشین و یا تغییر و تحدید آن همواره باقی خواهد بود. در عین حال این نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت که در حقوق بین‌الملل اولویت‌هایی وجود دارد که در جهت‌دهی قواعد حاکم بر آن نظام از جایگاه اصلی برخوردار است. در این زمینه یکی از محدودیت‌های وارد بر اختیار دولت‌ها در لغو تعهدات ناشی از اعمال یکجانبه به تعهدات یکجانبه مربوط به رژیم‌های مرزی مرتبط است که بازپس‌گیری آنها ارتباط مستقیمی با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی می‌یابد. همچنین می‌توان به تعهدات یکجانبه دولت‌ها اشاره کرد که در جریان رسیدگی به دعوایی بین‌المللی در نهایت به مختومه شدن پرونده منجر شده و بازپس‌گیری یکجانبه آنها موجب ایجاد اختلال در نظام حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی خواهد شد. تعهدات یکجانبه مربوط به حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز در همین دسته قرار می‌گیرند (کریمی، ۱۴۰۰: ۱۱۷-۱۱۹). در ادامه مثالی از لغو اعمال یکجانبه در روابط بین‌الملل ذکر می‌شود.

در ماه مه ۲۰۱۷، دولت ایالات متحده قصد خود را برای خروج از توافقنامه پاریس اعلام کرد. با این حال، طبق مفاد پیمان، طرفین فقط از نوامبر ۲۰۱۹ می‌توانستند مراحل خروج را آغاز کنند و یک دوره ۱۲ ماهه خروج را آغاز کنند. بنابراین، ابلاغیه کتبی ایالات متحده فقط بیانگر قصد آینده این کشور برای خروج از توافق بوده و قابلیت اعمال واقعی آن به اول نوامبر ۲۰۲۰ مربوط می‌شد. با وجود تأخیر پیش‌بینی شده قبل از احتمال خروج رسمی از توافق پاریس، بحث و اختلاف‌نظرهای زیادی درباره رویه‌های داخلی که ضروری است ایالات متحده برای خروج از هر پیمان بین‌المللی طی کند، وجود داشت. در واقع، مدت طولانی است که در آمریکا در مورد الزامات داخلی برای خروج از معاهده اختلاف‌نظر وجود دارد. «در نظام معاصر حقوق بین‌الملل، رابطه حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی بحثی بسیار مناقشه‌برانگیز است و

این مسئله در برخی نظام‌های داخلی و از جمله نظام حقوقی آمریکا، به‌عنوان نظامی فدرال، به چالش جدی حقوقی بدل می‌شود» (باقرزاده، ۱۴۰۰: ۱۵۰۹). همانند قانون اساسی آفریقای جنوبی، قانون اساسی ایالات متحده نیز شرایط پیوستن به معاهدات را تنظیم می‌کند، اما در مورد خروج از توافقات بین‌المللی ساکت بوده است. درحالی‌که قانون اساسی ایجاب می‌کند که «معاهدات» توسط قوه مجریه امضا و توسط دوسوم سنا تصویب شود، قانون تجارت ملی مصوب ۱۹۷۴ (اصلاحی ۲۰۰۰) این کشور انواع جداگانه‌ای از توافقتنامه‌های بین‌المللی را دسته‌بندی کرده است که بسته به توافق‌نامه موردنظر، از شرایط متفاوتی در عرصه داخلی برخوردارند.^۱

درحالی‌که برخی اظهار کردند که الزامات رویه داخلی ایالات متحده برای خروج از معاهده باید منعکس‌کننده مواردی باشد که هنگام پیوستن به معاهده در نظر گرفته شده است، محاکم داخلی ایالات متحده به‌طور کلی این قاعده را مورد پذیرش قرار نداده و عملکرد متناقضی داشته‌اند (Bradley & Goldsmith, 2018: 1207). به‌طور کلی این نکته مورد توافق قرار گرفته است که پیمانی که با اختیارات یکجانبه قوه مجریه ارتباط مستقیم داشته باشد - مانند موافقت‌نامه پاریس - توسط قوه مجریه و بدون مشارکت هیچ شاخه دیگری از دولت قابل خروج است. دکتترین در عرصه داخلی از قدرت یکجانبه قوه مجریه برای خروج از معاهدات مصوب سنا یا کنگره پشتیبانی می‌کند. نمونه اصلی در این مورد، پرونده گلدواتر علیه کارتر^۲ است که در آن اعضای کنگره تلاش کردند جلوی خروج یکجانبه رئیس‌جمهور جیمی کارتر از پیمان با تایوان را بگیرند تا بر روند به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین توسط ایالات متحده تأثیر بگذارند. اعضای کنگره استدلال کردند که رئیس‌جمهور نمی‌تواند بدون تصویب کنگره یکطرفه از پیمان خارج شود. دادگاه ایالتی با این امر موافقت کرد و معتقد بود از آنجا که ایجاد معاهده صلاحیت مشترکی بین قوه مجریه و کنگره است، الزامات انصراف نیز باید از روال در نظر گرفته‌شده برای ورود به پیمان پیروی کرده باشد؛ اما دادگاه تجدیدنظر و دادگاه عالی ایالات متحده این تصمیم را تأیید نکردند. دادگاه تجدیدنظر معتقد بود که رئیس‌جمهور بدون توجه به روال عمل‌شده هنگام پیوستن به پیمان، قدرت خروج یکطرفه از این پیمان را دارد، زیرا مقامات اجرایی ایالات متحده تنها مسئول برقراری ارتباطات خارجی این کشورند. پس از آن، دادگاه عالی ایالات متحده شکایت را رد کرد و رأی دادگاه تجدیدنظر را بی‌اعتبار اعلام کرد، زیرا معتقد بود که این سؤال سیاسی بوده و اساساً غیرقابل دادرسی است (Bradley & Helfer, 2017: 428).

1. Trade Act 1974 -art. 2, s. 2.

2. Goldwater v. Carter

جو بایدن چند ساعت پس از انتصاب رسمی به مقام ریاست جمهوری ایالات متحده، با امضای یک فرمان اجرایی تلاش خود را برای لغو کناره‌گیری یکجانبه دولت قبلی از توافق سال ۲۰۱۵ پاریس که به دنبال کاهش گرمایش کره زمین و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است، آغاز کرد. توافقنامه پاریس مطابق با ماده (۳) ۲۱ آن در ۱۹ فوریه ۲۰۲۱ دوباره برای ایالات متحده لازم‌الاجرا شد و با توجه به عدم اعتراض دول ثالث و عدم تضرر سایر دولت‌ها در قبال بازپس‌گیری اقدام یکجانبه ایالات متحده، تاکنون با هیچ‌گونه مانعی مواجه نبوده است (Rogowski, 2019: 4).

۶. نتیجه

در سطح بین‌المللی، مقامات دولتی مرتباً بیانیه‌هایی را منتشر می‌کنند یا به طرق مختلف دیگر متعهد می‌شوند که در صحنه جهانی اقدام کنند، سیاست دولت را در مورد موضوعات خاص ترسیم می‌کنند و به کشورها و همچنین بازیگران غیردولتی قول‌هایی می‌دهند. بیشتر این اظهارات صرفاً سیاسی‌اند و عواقب حقوقی اندکی در پی دارند. اما در مواقعی می‌توانند یک هدف حقوقی داشته باشند؛ یا در متن یک معاهده یا به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد تعهدات حقوقی بین‌المللی خارج از چارچوب معاهده. اگرچه کمیسیون حقوق بین‌الملل، تاکنون تعریف محدودی از اقدامات یکجانبه را تصویب کرده و به اتخاذ اصول و قواعد مفصلی در این حوزه پرداخته است، اما در موضوع ویژه لغو و بازپس‌گیری این قبیل اعمال، هنوز مشخص نیست که تلاش برای کدگذاری در کدام جهت انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد گزارشگر ویژه از این موضع حمایت می‌کند که کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات (۱۹۶۹) چارچوب مناسبی برای اقدامات یکجانبه دولت‌ها نیز است، به این معنا که برخی از مفاد کنوانسیون در حوزه تفسیر و اعتبار قواعد معاهداتی می‌تواند در مورد اعمال یکجانبه قابل اجرا دانسته شود. بنابراین اعمال یکجانبه نیز مانند هر عمل حقوقی دیگر، فروض اختتام، لغو و بی‌اعتباری را در ماهیت خود دارا هستند. بطلان و بی‌اعتباری عمل یکجانبه دولت را می‌توان به مواردی همچون عدم صلاحیت نماینده اظهارکننده تعهد، تعارض با قواعد آمره و یا سایر تعهدات دولت مرتبط دانست. در برخی شرایط اعمال یکجانبه ممکن است اصلاح شوند یا خاتمه یابند. ناتوانی دولت در ایفای تعهد، این واقعیت که موضوع متوقف شده یا یک تغییر اساسی در شرایط ایجاد شده است، دلایل معتبری برای خاتمه یا اصلاح یک اقدام یکجانبه هستند، در حالی که ظهور یک قاعده آمره جدید حقوق بین‌الملل، هرگونه اقدام یکجانبه قبلی را که با آن مغایرت داشته باشد، منفسخ خواهد کرد. آنچه مبرهن است، در رویه قضایی بین‌المللی همچنان حسن نیت را در کنار قصد، عامل مؤثری در شکل‌گیری اعمال یکجانبه به شمار می‌آورند. پرسشی که علیرغم اصول

راهنمای کمیسیون حقوق بین‌الملل همچنان مبهم باقی مانده است، نحوه لغو این قبیل اعمال است. اثربخشی قانونی یک اقدام یکجانبه، برای مثال در قالب یک وعده، در لحظه رسیدن پیام به مخاطب و رد نشدن توسط آن تحقق می‌یابد و سپس مخاطب دارنده حقوق یا سایر مزایای ناشی از این عمل می‌شود. عدم رد از سوی مخاطب این فرض را ایجاد می‌کند که مخاطب به آن اعتماد کرده و مزایای آن را مورد پذیرش قرار داده است. بدون تردید ممکن است اقدامات یکجانبه در برخی شرایط خاص پس گرفته یا اصلاح شوند. کمیسیون فهرستی از معیارهایی را تهیه کرده است که هنگام تعیین خودسرانه بودن یا نبودن لغو مورد توجه قرار می‌گیرد. مسئله اصلی در این واقعیت نهفته است که پذیرش یکجانبه هرگونه تعهدی، ممکن است موجب ایجاد انتظاراتی در اشخاص ثالث شود. به نظر می‌رسد در صورتی که دولت صادرکننده عمل یکجانبه، به دنبال تغییر و یا انصراف تعهد پیشین خود اقدام به صدور عمل یکجانبه دیگری با همین مضمون بنماید و از سوی دول ذی‌نفع با اعتراض مواجه شود، ملزم به جبران خسارت و پذیرش امکان مراجعه دول مذکور به مراجع قضایی و سیاسی بین‌المللی به دلیل امتناع از جلب رضایت آنان خواهد بود و در صورت عدم اظهار خلاف از سوی سایر اعضای جامعه بین‌المللی که مبنی بر عدم وجود اراده برای مخالفت با وی است، امکان لغو عمل یکجانبه پیشین و یا تغییر و تحدید آن همواره باقی خواهد بود.

هرچند چنین دیدگاهی ممکن است نسبت به تعهدات و وعده‌ها در سطح بین‌الدولی تا حدی محدود و ملایم باشد و با پذیرش این امر که بین معاهدات و تعهدات یکجانبه قطعاً شباهت‌هایی وجود دارد، اما رویکرد تدوین قواعد بین‌المللی در خصوص اقدامات یکجانبه با الگوبرداری صرف از قوانین حقوق معاهدات که از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل اتخاذ شده است، بیشتر به تدوین نوعی پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۶۹ در خصوص اعمال یکجانبه شباهت دارد. چنین رویکردی به‌طور قطع با برخی خطرات همراه است، زیرا در بسیاری از موارد ماهیت انصراف از اقدامات یکجانبه را به صرف تعهدات در قبال اشخاص ثالث محدود کرده، در همین حدود مورد اعتبارسنجی و پذیرش یا در نهایت رد قرار می‌دهد. این نکته‌ای است که بازنگری جدی در خصوص موضوع لغو و تعلیق اعمال یکجانبه و تدوین مقرراتی جدا و البته خارج از سایه حقوق بین‌الملل معاهدات را از سوی گزارشگر ویژه و متعاقب وی کمیسیون حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند.

منابع**۱. فارسی****الف) کتابها**

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
۲. زر نشان، شهرام (۱۳۹۳). *شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی*. تهران: گنج دانش.
۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲). *حقوق معاهدات بین‌المللی*. تهران: گنج دانش.
۴. کرافورد، جیمز (۱۳۹۵). *حقوق مسئولیت بین‌المللی*. ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل، تهران: قلم سنگلج.
۵. گروه آموزشی حقوق و علوم سیاسی (۱۳۹۵). *دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل عمومی*. ج ۱، تهران: دپارتمان حقوق و علوم سیاسی.

ب) مقاله‌ها

۶. باقرزاده، رضوان (۱۴۰۰). تحلیل عملکرد دولت آمریکا در برابر آرای دیوان بین‌المللی دادگستری. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴، ۱۵۰۹-۱۵۳۴.
۷. حدادی، مهدی و کریمی، سیامک (۱۳۹۶). اعمال یکجانبه دولت‌ها به‌عنوان منبع تعهد بین‌المللی در حقوق بین‌الملل. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۸۱، ۲۱۳-۲۸۹.
۸. شایگان، فریده و عبدالهی رومعجی، مجتبی (۱۴۰۰). کارکرد قواعد امره در حوزه اعمال یکجانبه دولت‌ها. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۲، ۶۹۵-۷۱۴.
۹. کریمی، سیامک (۱۴۰۰ الف). التزام دولت‌ها به اعمال یکجانبه در ساختار مفهومی حقوق بین‌الملل. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱، ۲۹۷-۳۲۱.
۱۰. کریمی، سیامک (۱۴۰۰ ب). مشروعیت خاتمه ارادی اعمال یکجانبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل. *فصلنامه علمی پژوهش حقوق عمومی*، ۷۲، ۹۵-۱۲۵.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱۱. میری لواسانی، سمیه (۱۳۸۵). *اعمال یکجانبه تعهدآور دولت‌ها در حقوق بین‌الملل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم.
۱۲. میری، حسین (۱۳۷۴). *تأثیر اعمال یکجانبه کشورها در منابع حقوق بین‌الملل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۱۳. هاشمی، حمید (۱۳۸۱). *حقوق حاکم بر اعمال یکجانبه دولت‌ها به‌عنوان منبع حقوق بین‌الملل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق.

A) Books

1. Eckart, C. (2012). *Promises of States under International Law*. Portland, Hart.
2. Kassoti, E. (2016). *The Juridical Nature of Unilateral Acts of States in International Law, Queen Mary Studies in International Law*. London, Queen Mary Studies in International Law, Vol. 20.
3. Osieke, E. (2017). *The Legal Validity of Ultra Vires Decisions of International Organizations*. London, Ramses A. Wessel & Steven Blockmans.

B) Articles

4. Bradley, Curtis A; Goldsmith, Jack L. (2018). Presidential Control over International Law. *131 Harvard Law Review*, 131(5), 1207–1220.
5. Bradley, C. A., Helfer, L. R. (2017). Treaty Exit in the United States: Insights from the United Kingdom or South Africa?. *111 American Journal of International Law*, Unbound, 111, 428-433.
6. Fabricius, P. (2017). South Africa Confirms Withdrawal from the ICC. *Daily Maverick* (2021), at: www.dailymaverick.co.za/article/2017-12-07-south-africa-confirms-withdrawal-from-icc/#.WjgzvcbMyu4.
7. Fiedler (1984). Unilateral acts in international law. *Bernhardt Encyclopedia in Public International Law*, 7, 511-528.
8. Finnish (2018). Unilateral act as a source of particular international law. *Spanish Yearbook of International Law*, 22, 229- 262.
9. Garner, J. W(1933). The International Binding Force of Unilateral Oral Declarations. *American Journal of International Law*, 27(3), 495-496.
10. Goodman, C. (2006). Acta Sunt Servanda? A Regime for Regulating the Unilateral Acts of States at International Law", *25 Australian Year Book of International Law*, 43-73.
11. Kolasa, J. (2018). Unilateral Acts of State in the Process of Forming Customary International Law. *Wroclaw Review of Law; Administration & Economics*, 8(2), 59- 71.
12. Rogowski, J. C (2019). Unilateral Action, Public Opinion, and Presidential Responsiveness. *Harvard University, Department of Government*, 35, 1-50.
13. Saganek, P. (2015). Unilateral Acts of States. *Leiden & Boston, Brill Nijhoff*.
14. Scheinin, M., & Vermeulen, M. (2020). Unilateral Exceptions to International Law: Systematic legal Analysis and Critique of Doctrines that seek to Deny or Reduce the Applicability of Human Rights Norms in the Fight against Terrorism. *European Commission of Human Rights*, pp. 20-56.
15. UNESCWA. (2020). unilateral act (2021), at: <https://archive.unescwa.org>.
16. Woolaver, H. (2019). From Joining to Leaving: Domestic Law's Role in the International Legal Validity of Treaty Withdrawal. *The European Journal of International Law*, 30(1), 73- 104.

C) Cases

17. ICJ, Arbitral Award Made by the King of Spain on 23 December 1906 (Honduras v.

- Nicaragua), Judgment of 18 November 1960, pp. 11-13.
18. ICJ, Armed Activities on the Territory of the Congo(Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Jurisdiction of the Court and Admissibility of the Application, 3 February 2006.
19. ICJ, Case Concerning the Continental Shelf(Tunisia/ Libyan Arab Jamahiriya), Judgment of 24 February 1982.
20. ICJ, Continental Shelf(Libyan Arab Jamahiriya/Malta), Judgment of 3 June 1985.
21. ICJ, Frontier Dispute(Burkina Faso/Niger), Judgment of 16 April 2013.
22. ICJ, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua(Nicaragua v. United States of America), Judgment of 26 November 1984.
23. ICJ, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua(Nicaragua v. United States of America), Judgment of 26 November 1984.
24. ICJ, North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany/Netherlands), Judgment of 20 February 1969.
25. ICJ, North Sea Continental Shelf(Federal Republic of Germany/Netherlands), Judgment of 20 February 1969.
26. ICJ, Nuclear Tests Case,(Australia v. France), I.C.J, p. 253, Judgment of 20 December 1974.
27. Permanent Court of International Justice (P.C.I.J), Eastern Greenland Case, (Denmark v. Norway), General List No.43, Judgment No. 20, 5 September 1933.

D) Documents and Reports

28. Cedeño, Víctor Rodríguez, Eighth report on unilateral acts of States, Special Rapporteur, DOCUMENT A/CN.4/557,[26 May 2005].
29. Cedeño, Víctor Rodríguez, Fifth report on unilateral acts of states, Special Rapporteur, DOCUMENT A/CN.4/525 and.1 and 2, 17 April and 10 May 2002.
30. Cedeño, Víctor Rodríguez, Ninth report on unilateral acts of States, A/CN.4/569 and Add.1, 6 April 2006.
31. Cedeño, Víctor Rodríguez, Second report on unilateral acts of States, Special Rapporteur,[14 April and 10 May 1999], Document A/CN.4/500 and Add.1.
32. Cedeño, Víctor Rodríguez, Seventh report on unilateral acts of States, Special Rapporteur, Document A/CN.4/542, 22 April 2004.
33. Congress of the United States, Constitution of the United States of America—1787, Centennial Edition, Congressional Research Service, Available Online at: <https://uscode.house.gov>.
34. Congress of the United States, Trade Act 1974 and Amendments thereto, 5 June 2000, Available Online in: <https://www.wto.org>.
35. ILC, Commentary of the Commission to Art. 50 of "Draft Articles on the Law of Treaties", I.L.C. Yearbook, 1966.
36. ILC, Guiding Principles applicable to unilateral declarations of Statescapable of creating legal obligations, with commentaries thereto, Yearbook of the International Law Commission, 2006, Vol. II, Part 2, pp. 1-14.
37. The Secretary of State for Commonwealth Relations and Lord President of the

Council(the eara of home), the Suez canal, HL Deb 14 May 1957 Vol. 203 cc633-42.

38. United Nations, Secretary-General's Bulletin, ST/SGB/1999/13, 6 August 1999, "Observance by United Nations forces of international humanitarian law", 31-12-1999 Article, International Review of the Red Cross, No. 836.

E) Thesis

39. Tropper, J (2019). "Unilateral promises in general international law and investment law", Research Proposal Doctoral Thesis, Universität Wien, 2019, pp. 1-24.